مثال تجربه نزدیک به مرگ

پایه‌ها از خدمت شما می‌گفتم. پس پایه‌هایی داریم که غیرفیزیکی است. ما آن‌ها را انکار نمی‌کنیم. الآن کسانی که در کما می‌روند، چه چیزهایی تعریف می‌کنند! موارد از آن‌ها هست که کسی که از کما برگشته اخباراتی می‌کند که به‌هیچوجه با این نورون‌های عصبی او که روی تخت بیمارستان است، اصلاً تناسب ندارد. معلوم است که بدن او جای دیگری بوده و احساس داشته و دیده و حرف زده؛ معلوم است. مگر کسی بخواهد انکار کند که عرض کردم که این همان روش حذفی می‌شود. ولی اگر نخواهد با روش حذفی باشد، کسی که از کما بیرون آمده، دارد اخبار می‌کند. حال بگوییم یک نفر از آن‌ها دارد دروغ می‌گوید، صدها تجربه آن بین بشر بوده و هست و خواهد بود. تجربیات نزدیک به مرگ است. البته مرگ هم باز خیلی متفاوت است. یا همان مکاشفاتی که صورت می‌گیرد، خواب‌های عجیبی که می‌شود، و ... . در همه این‌ها آگاهی و هوش داریم، پایه آن چیست؟ پایه غیرفیزیکی است.

شاگرد: قبلاً اشاره‌محور گفته بودید.

استاد: نه، آن اشاره‌محور غیر از این‌ها است. این‌ها پایه است.

شاگرد: یعنی پایه متافیزیکی می‌گوییم که با آن اشراق متفاوت است؟

استاد: بله، یعنی وقتی در متافیزیک هم ما پایه داریم، باز پایه است، اصل معنا و درک معنا و عقلانیت، یک چیزی است که تجرد تام دارد. خود مُشرق یک چیزی ورای این‌ها است. لذا در آن چیزی که در افلاطون‌گرائی عرض می‌کردم، ما کاری با تجرد برزخی و تجرد مثالی نداشتیم؛ ورای تجرد برزخی و مثالی بود.

حتی دیده‌ام خیلی از کسانی که از کما برگشته‌اند چیزهایی می‌گویند که خودش متوجه نیست که دارد از یک پایه‌ای استفاده می‌کند. مثلاً می‌گوید در اتاق جراحی من بالای اتاق بودم؛ بدنی را هم حس می‌کردم. گاهی می‌گوید به‌صورت یک نقطه بودم و داشتم آقای جراح و تخت جراحی را می‌دیدم. الآن چرا از یک نقطه می‌دید؟ من احتمال را عرض می‌کنم؛ یعنی در شرائطی که این روح نمی‌تواند بدن جسمانی را به کار بگیرد، یک بدن دیگری را به کار گرفته، ولی چون با آن بدن انس ندارد، مثل بچه‌ای که در این دنیا دو-سه سال کارش این است که کم‌کم به خود بیاید و بفهمد بدنی دارم و من هستم و باز می‌کنم. اول که در قندان بوده تنها یک احساسی داشت. در آنجا هم وقتی به برزخ برود و ده سال، صد سال، پانصد سال بگذرد و با بدن برزخی انس بگیرد، بعد دیگر نمی‌گوید من یک نقطه بودم که در آن جا بودم. می‌بیند در آن جا یک بدنی بود برای آنجا که نظام و دستگاهی داشت. چون من با آن مانوس نبودم، نمی‌فهمیدم الآن چه چشمی را به کار گرفته‌ام. و لذا کسانی که این حالت برای آن‌ها پیش می‌آید، گاهی بدون چشم است و در این مشکلی ندارید. یعنی واقعاً رؤیتی صورت می‌گیرد بدون ابزار و بدون پای که. مشکلی ندارد. اما گاهی در همان عالم رؤیتی صورت می‌گیرد با چشمی که از این عالم بدن مادی نیست، ولی بدن هست و چشم دارد؛ او هم چون انسی با آن بدن ندارد، متوجه نیست. بنابراین این یک نوع بود.

بازبینی #3
ایجاد شده 12 سپتامبر 2024 13:52:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:11:13 توسط ... .